نگاه

وقتی روی کین مربی می‌شود

مظهر زندگی در جمع مرده‌ها

فیل مک نالتی

«روی کین» در حال برداشتن قدمی بلند و سخت است و آن، انتقال سریع و بدون تامل و مقدمه از جمع بازیگران به جمع مربیان است و این را باید قدمی دانست که بسیاری از همتاهای کاپیتان سابق منچستر یونایتد در برداشتن آن ناکام بوده‌اند. کین که در دوران بازیگری‌اش یکی از سرسخت‌ترین‌ها و پیروزترین‌ها بود و در پایان فصل گذشته و در حالی که فقط ۴/۵ ماه از الحاقش به سلتیک اسکاتلند می‌گذشت اعلام بازنشستگی کرد، در آستانه انتصاب به عنوان سرمربی جدید تیم فوتبال ساندرلند قرار دارد. این تیمی است که اینک در لیگ دسته اول انگلیس بازی می‌کند، اما بردن و فتح مسابقات خود را فراموش کرده است و روزهای تیره‌ای را می‌گذراند. وقتی ساندرلند اواسط هفته پیش در همان مرحله نخست رقابت‌های جام اتحادیه انگلیس تسلیم «بری» و از صحنه پیکارها حذف شد، نیال کویین مدیر آشنای ساندرلند که سرمربی این تیم هم بوده است، اعلام کرد که یک فرد برجسته و معروف برای مربیگری ساندرلند انتخاب شده و آن مرد، ظاهراً «روی کین» است. مردی که هر چند واقعاً مشهور است، اما طی عمرش حتی برای یک روز هم تیمی را مربیگری و هدایت نکرده است. با این حال چگونه می‌توان همکاری موثری را بین کویین آرام و کین پرخاشگر تصور کرد و آیا چنین چیزی بیش از حد ریسکی نیست؟ کافی است به یاد بیاورید که کین چگونه در آستانه شروع جام‌جهانی ۲۰۰۲ منفجر شد و اردوی ملی ایرلند جنوبی را ساقط و میک مک‌کارتی مربی وقت ایرلند را وادار به اخراج خود کرد و از قضا کویین سانتر فورارد وقت تیم ملی ایرلند از افراد پرشماری بود که طی آن مواجهه به دفاع از سرمربی تیم و محکوم کردن کین برخاست. سئوال مهم‌تر این است که آیا کین می‌تواند یک «جمع مرده» را زنده کند و آیا تیمی که به لحاظ روحی و جسمی مرده است و کمترین انگیزه و تحرک را دارد، می‌تواند خواست‌های فراوان مربی جدیدش را که مظهر شور و شوق زندگی و سرشار از انگیزه‌های پیروزی است، برآورده کند و آیا ساندرلند بسیار کوچک‌تر از چارچوب آرزوهای فرمانده جنگجوی پیشین اولدترافورد نیست؟ همه می‌دانند که کین هیچ بخشش و لطفی در مورد آدم‌های کم‌کار و قانع ندارد و صبر او در این خصوص در کمترین حد است. او از بس از بعضی همبازیان جوان و کم‌کار خود در منچستر انتقاد کرد که حوصله الکس فرگوسن مربی سال‌های طولانی این باشگاه سررفت و عذر او را خواست و اینچنین بود که او در آخرین ماه‌های دوران بازیگری‌اش سر از سلتیک و شهر گلاسکو درآورد. از طرف دیگر کسب ده‌ها جام و افتخار در دوران بازیگری لزوماً تضمینی بر موفق شدن در حرفه مربیگری هم نیست و از آنجا که کین هیچ وقتی برای انتقال از دنیای بازیگری به جهان مربیگری نداشته، این انتقال برای او بسیار دشوارتر از سایرین خواهد بود. به این نکته هم توجه کنید که او وارد دنیای لیگ دسته اول انگلیس خواهد شد که برای وی کاملاً ناآشنا است، زیرا تقریباً تمام سال‌های حضور او در فوتبال انگلیس در بالاترین دسته لیگ این کشور (لیگ برتر) گذشت و نه در دسته‌ای پایین‌تر که اوصاف آن برای او غریبه است. با این حال کویین و هواداران ساندرلند به این قسمت از قضیه توجه ندارند و در طبیعت «پیروزی‌خواهانه» کین راه نجات خود را می‌جویند و این تیمی است که حتی در حسرت یک پیروزی به سر می‌برد و اگر بخواهیم از دیدگاه آنها (و بسیاری از افراد دیگر) به ماجرا نگاه کنیم، جذب کین مثل یک کودتا و کاری بس مهم است. این هم یک فاکتور غیرقابل انکار است که کین تحت هدایت فرگوسن در اولدترافورد سال‌ها بهترین درس مربیگری را گرفته و به مردی صاحب شم و توان فرماندهی در میادین فوتبال بدل شده است. به واقع خیلی‌ها معتقدند که اگر فرگی یک مشابه و یک کپی در زمینه میزان شور و همت و علاقه به کسب پیروزی در داخل میدان داشته باشد، آن نمونه و کپی، شخص کین است و باز به اعتقاد همان عده کین، صدای رسای «سرالکس» در داخل میدان بوده است. براساس این فرضیه حتی حضور کین در ساندرلند به‌رغم این که او هیچ سابقه‌ای در کار مربیگری ندارد، یک عامل انگیزه‌بخش عالی برای مردان این باشگاه خواهد بود.

■ **او می‌تواند**

«برایان کمر» مربی سابق تیم ملی ایرلند جنوبی یکی از معتقدان به این فرضیه است. «با این که کین هیچ سابقه‌ای در کوچینگ ندارد، اما من او را یک مربی شایسته می‌دانم و کسی تلقی می‌کنم که می‌تواند از عهده این کار برآید، زیرا او به این ورزش بسیار علاقه‌مند است و وقت بیکاری را صرف تحقیق پیرامون آن می‌کند. وی تمام وقتش را صرف تفکر پیرامون این مسئله و طراحی بازی‌ها و چگونگی فتح آنها می‌کند و کلیدهای پیروزی را به عنوان یک بازیکن می‌شناسد و راه‌های تدارک و تمرین را هم بلد است و این می‌تواند سنگ‌بنا و مقدمه کار او در این سطح و حرفه باشد. برای این که مربی شوید و در این سطح به موفقیت برسید، باید وقت و انرژی و فکر زیادی را به این امر اختصاص بدهید و روی کین از این مسئله ابایی ندارد. او از مشکلات نمی‌هراسد و برعکس از ستیز با آنها لذت می‌برد.» کین حتی مشکلی در خصوص رفتارهایش و برخورد با بازیکنان ساندرلند و به واقع شاگردان تازه‌اش ندارد و نیازی هم به برقراری ارتباط نزدیک و دوستانه با آنان نمی‌بیند، زیرا وقتی هم که در اولدترافورد بود با تعدادی از همبازیانش اصلاً دوست نبود! او حتی یک بار گفته بود: «من به اینجا نیامده‌ام تا همگان عاشقم شوند و یا کارهایم دلخواه مردم باشد و برعکس فقط آمده‌ام تا وسیله کسب پیروزی باشم.» با این وجود او در ساندرلند به سرعت درخواهد یافت که اکثر قریب به اتفاق شاگردانش مثل وی فکر نمی‌کنند و از همتی مثل او به کلی بی‌بهره‌اند. این از بدشانسی «تنبل‌ها» است که یک کابوس واقعی تحت عنوان مربی جدید به سراغ‌شان آمده است و اگر خیال یک زندگی راحت‌تر را دارند، بهتر است از این پس به جای دیگری بروند. در نقطه مقابل اگر طرفداران ساندرلند به دنبال کسی بوده‌اند که تیم‌شان را از شرایط دشوار فعلی رهایی بخشد، آن فرد می‌تواند کین باشد، زیرا او دیگران را به تحرک واخواهد داشت. کویین تصریح کرده است که مربی‌ای را منصوب می‌کند که از هر جهت جدی و سختگیر باشد و کین نماد چنان آدمی است ولی این که نتیجه چنین انتصاب و ریسکی چیست، روشن نیست و می‌تواند هر یک از دو حالتی را که گفتیم در پی داشته باشد. یعنی بی‌تجربگی کین در امر مربیگری می‌تواند مشکلات ساندرلند را بیشتر کند و در نقطه مقابل شور و غوغایش مرده‌ها را در این باشگاه احیا کند. هر چه هست، اتفاقات جالبی در باشگاه ساندرلند در پیش است.

منبع: **BBC**

امشب رئال مادرید-ویارئال آغاز فصل جدید برای دن‌فابیو

جلو می‌رویم چون مادرید هستیم

پدرو مارتین
ترجمه: سیدمحمد حسینی

دن‌فابیو پس از ۹ سال مجدداً به رئال بازگشت تا به ناکامی‌های ۳ سال اخیر این تیم پایان دهد. البته رئال در بازی‌های پیش فصل چندان درخشان نبود و مورد انتقاد هوادارانش قرار گرفت. به‌منظور تحلیل وضعیت رئال‌مادرید، با توجه به اتمام پیش فصل، دون فابیو کاپلو دعوت ما را پذیرفت و رک و پوست کنده بدون هرگونه پیچش کلامی خواستار گفت‌وگو در یک محیط دوستانه شد.

...

■ اینکه پیش فصل را با هو شدن از سوی هواداران تمام کنید به‌نظر مطلوب نمی‌رسد.

خب معلوم است! اما حق با آنها بود، چون درکشان از فوتبال بالا است و چیزی که ارائه می‌شد اصلاً درخور توجه نبود، اما من هم باید دلایل خودم را بگویم.

■ بفرمائید.

اندرلشت در ابتدای نیمه دوم ده بازیکن تازه‌نفس وارد زمین کرد و این درست نبود. وقتی ما نیمه دوم را با خستگی نیمه اول آغاز کردیم، با یک مسابقه جدید روبه‌رو شدیم، با تیمی تقریباً جدید.

■ اما این دلیل نمی‌شود که روبینو، سیسینیو و بقیه در این دریا غرق شوند.

اما دلیل آن همین است، امرسون توانی در بدن نداشت، دیارا تازه‌وارد بود، کاناوارو حضور نداشت، البته رائول تلاشش را می‌کرد و اندرلشت با این تعداد تعویض بازیکنانش، ما را به دردسر انداخت. باید همه‌چیز را در نظر گرفت.

■ فراموشمان نشود، در استادیوم رامون کارانسا (ویارئال) نیز این عروس تعریفی حرفی برای گفتن نداشت.

ببینید بازی خوب یعنی چه؟ فقط رسیدن به دروازه حریف که نیست، پوشش دادن یکدیگر، تعامل و همکاری نیز مهم است... یعنی نظم در زمین، که تیم در پی آن استعداد خود را شکوفا می‌کند. من دارم مادریدی جدید می‌سازم و منظورم برگرداندن نظم تاکتیکی به این تیم است، نظمی که بازیکنان در آن دقیقاً خواهند دانست در چه لحظه‌ای کجا باشند. برخلاف کسانی که می‌گویند خود نظم تاکتیکی منجر به برد می‌شود، من معتقدم این توانایی‌های فردی بازیکنان است که به کسب نتیجه منتهی می‌شود و این قابلیت را بازیکنان رئال در سطح بالایش دارند که به زودی رو می‌شود.

■ بله، به زودی، چون ویارئال هم منتظر است.

ببینید خیلی سخت کار کرده‌ایم، چون این تیم سه سال از شرایط آرمانی به دور بوده است، پاهای بچه‌ها سنگین شده و نیاز به زمان داریم تا دوباره ریتم بگیرند. این را دارم می‌بینم که بعضی‌ها دوباره فرز شده‌اند.

■ منظورتان از زمان چقدر است؟

تقریباً ۵۰ روز. چون این تیم از شرایط مطلوب فاصله داشته است، در سه یا چهار بازی اول اذیت خواهیم شد ولی بعداً... فصل خیلی طولانی است و بازیکنان این را در تمرین فهمیده‌اند. به‌زودی در یارگیری من تو من، بازی با توپ و پرسینگ بهتر خواهیم شد.

■ طرفداران مادرید فوتبال را می‌فهمند، به این موضوع اشاره کردید و نیز می‌خواهند از دیدن بازی لذت ببرند.

بله، بله، خلاقیت، استفاده از قوه تخیل و پاس‌های آخر مهمند، اما بهتر است نظم را حفظ کنیم.

■ ما منتقدین شک داریم که با دو هافبک و امرسون و دیارا در جلو بشود از یک بازی جادویی لذت برد...

درک فلسفه من آسان است، هافبک‌ها باید موتور تیم باشند، حرکت تیم باید از مرکز کلید بخورد.

■ منظورتان دیارا و امرسون است؟

دقیقاً. مادرید آن دو موتور موردنظر را دارد، دیارا و امرسون بازی ما را تضمین می‌کنند. با این حرف موافق نیستم که بعضی‌ها می‌گویند آن دو فقط به درد دزدیدن توپ می‌خورند و اینکه حملات کوچکی را پایه‌گذاری کنند، این یعنی حرف زدن بدون شناخت اصولی.

■ دیارا تاثیر مثبت خود را در زمان حضورش در سانتیاگو برنابئو گذاشت. این حرفتان درست است.

معلوم است که اینطور است. او کامل‌ترین هافبک دنیاست، نمی‌دانم چطور است که بعضی‌ها می‌گویند او حتی نمی‌داند توپ را چگونه لمس کند. چرا بعضی از آدم‌ها به خود اجازه می‌دهند درباره بازیکنانی حرف بزنند که اصلاً آنها را نمی‌شناسند. مسائلی را می‌بینم که به هیچ صورت توجیه‌پذیر نیستند.

■ و...

دیارا در حرکت با توپ خیلی فرز است، با چشمی باز و دقتی بالا، بازی تک‌ضرب را بلد است، این شامه را دارد که بفهمد راه رسیدن به گل کدام است و نیز می‌داند کجا قرار بگیرد، اما اسم این را چه می‌گذارید؟ اینکه در این کشور سریعاً روی بازیکنان اسم می‌گذارند.

■ رسم و رسوم، آقای کاپلو.

(با خنده) بله، همین است، رسم و رسومی که از آن فقط برای توپ‌دزدی استفاده می‌کند (فقط برای تخریب دیگران). مردم برنابئو فوتبال را می‌فهمند و وقتی او را تعویض کردم، برای تشویقش دست زدند. مردم سرعت او را دیدند، معلوم است!

■ کارهایتان حرفتان را ثابت می‌کند، اما اگر عاقلانه به قضیه نگاه کنیم، رئال در نبود زیدان باید روی گوتی حساب باز کند.

من هم همین نظر را دارم. گوتی در این تیم بازی خواهد کرد، بازیکن باهوشی است، توپ را درست جایی می‌فرستد که کسی نمی‌تواند از قبل حدسش را بزند، همگان را با ارسال پاس‌هایی غیرممکن حیرت‌زده می‌کند و بازیکنی از این دست، یک مهره کلیدی است. کاسانو در برنابئو همین کار را کرد، دیدید؟

■ بله، کاسانو را دیدیم، اما دراین ترکیب جای گوتی کجاست؟

باید بررسی کنم. اما جایی را برای بازی گوتی دست و پا خواهم کرد. اینکه فصل پیش مصدوم شد یک بدشانسی حسابی بود، خیلی از مسابقاتی را که من می‌توانستم بازی او را ببینم از دست داده است. ختم کلام اینکه ببینیم می‌شود او به‌زودی سالم و سرحال به وضعیت سابق خود برگردد.

■ با نیامدن کاکا، گوتی جواب می‌دهد...

ببینید کاکا نمی‌آید، نه ارزان و نه گران، میلان او را نمی‌فروشد. رئیس باشگاه و میاتوویچ در حال مذاکره با آنها هستند اما... در این شک نکنید که کاکا می‌توانست در رئال بدرخشد، همه این را می‌دانند. از حضور او در تیمم خوشحال می‌شدم ولی هیچ راهی نیست که با میلان به توافق برسیم.

■ آیا ممکن است خلق پستی جدید برای گوتی، موقعیت رائول را به خطر بیندازد؟

چیزی را از رائول به شما می‌گویم؛ او هنوز چهار سال برای بازی در بالاترین سطح مادرید جا دارد.

■ بعضی از ما اعتماد خود را از دست داده‌ایم.

خواهش می‌کنم! مطالبی را علیه رائول دیده‌ام که درک‌شان برایم غیرممکن است. رائول ۲۹ساله از ۱۷ سالگی فوتبال را شروع کرده، مالدینی هم از این سن شروع کرده ولی اکنون ۳۹سال دارد، چه کسی می‌تواند به این نتیجه برسد که دوران او تمام شده؟ با برخاستن صد درصدی از بستر مصدومیت، او پیش فصل را خیلی عالی پشت سر گذاشته است.

■ یعنی رائول با همان عنوان ادامه خواهد داد؟

یک فوتبالیست با کیفیت او، با آن شخصیت، با آن فراست که می‌داند چطور در جای‌جای زمین بازی کند، با اینکه بازی تک‌ضرب را بلد است و جای‌گیری را درک می‌کند، بازی نخواهد کرد؟ او مثل یک ماتادور وارد زمین می‌شود.

■ و حیف شد که فرصت‌های به آن سادگی را جلوی اندرلشت تبدیل به گل نکرد، به‌خصوص ضربات سر آخر را نزد. حداقل پای نیستلروی به گل باز شد و اعتماد به‌نفس او برای شروع فصل بالا رفت، این‌طور نیست؟

واقعاً گل زدن رود فان‌نیستلروی از گل زدن رائول خیلی مهمتر بود، این پسر یک پدیده است و از روز اولش در برنابئو همه‌چیز بر وفق مرادش پیش رفته.

■ خرید خوب و به موقعی است.

آمار و ارقامی که کار او را تضمین می‌کنند دروغ نمی‌گویند. کارنامه او هست. از آن دسته بازیکنان مختص محوطه جریمه است، در آن منطقه حرکتش مثل حرکت ماهی در آب است و ما را سر وجد می‌آورد. شما او را دیده‌اید: در خدمت تیم است، نحوه حرکت کردن را می‌داند، لاینقطع در تلاش است و مدافعان را مشغول خود می‌کند.

■ این را می‌گفتم که خرید خوب و به موقعی است، چون به‌نظر نمی‌رسد رونالدو بتواند به‌زودی درخشش سابقش را به‌دست بیاورد.

بگذارید مطلبی را به شما بگویم. او را باید هرچه سریع‌تر به وضعیت سابقش برگرداند چون مهاجم اول دنیا است.

■ اما فصل آتی را در خدمت رئال خواهد بود؟

این را از من نپرسید. او در تیم من است و کسی است که بی‌شک رویش حساب می‌کنم، اگر با ما بماند، از حالا به بعد در تیم ما جایش خواهد بود.

■ پس لازم است شما به فکر راه انداختن یک سیستم نوگرایانه باشید!

من همیشه دوست داشته‌ام در آن جلو با دو مهاجم بازی کنم. این را در تیم‌های قبلی من ندیده‌اید؟

■ چرا، اما من ندیده‌ام شما اینقدر خطر کرده و روی این خط حمله حساب کنید.

پس غافلگیر خواهید شد، رونالدو و نیستلروی کنار هم بازی خواهند کرد، آنها موثرترین کارتل مهاجمان دنیا خواهند بود. نظرتان در این مورد چیست که دو مهاجم برتر دنیا در رئال هستند؟

■ بسیار خوب، اما اگر رونالدو را بفروشند، مادرید می‌ماند و یک مهاجم تنها، چون نمی‌شود دوباره روی بازیکنان حساب کرد.

آرام باشید، این وظیفه من است که به فکر جایگزینش باشم، شما نگران آن نباشید. آمدن باپتیستا یک مسئله اورژانسی خواهد بود، چون او شرایط بازی به عنوان مهاجم مرکزی را ندارد، این را هر دو ما می‌دانیم، من و او. به‌کارگیری او فقط در حد آزمایش بوده است.

■ می‌خواهم وارد مقوله حساسی بشوم، ایکر کاسیاس یا دیگو لوپز؟

راستش...

■ در AS اینطور تیتر زدیم: «کاسیاس در خطر است». و می‌بینم شما دوست ندارید که ما خیلی در مسائل درونی تیم کنکاش کنیم.

لطفاً، خواهش می‌کنم! شما یک روز او را می‌کشید و روز دیگر زنده می‌کنید، مثل یک ستاره، این کار را با من نکنید.

■ پس؟

من مربی خوشبختی هستم، چون برای هر رقابتی که پیش می‌آید، دو دروازه‌بان در بالاترین سطح‌شان دارم و هر دوشان نیز به کارم می‌آیند. در حقیقت تنها ترس یک مربی این است که برای انجام بازی‌هایی که در یک فصل پیش‌رو دارد، دو دروازه‌بان مطمئن در اختیار نداشته باشد، من این سعادت را دارم.

خلاصه گفت و گو

۱- دیارا در حرکت با توپ خیلی فرز است، با چشمی باز و دقتی بالا، بازی تک‌ضرب را بلد است، این شامه را دارد که بفهمد راه رسیدن به گل کدام است و نیز می‌داند کجا قرار بگیرد، اما اسم این را چه می‌گذارید؟ اینکه در این کشور سریعاً روی بازیکنان اسم می‌گذارند.

۲- من مربی خوشبختی هستم، چون برای هر رقابتی که پیش می‌آید، دو دروازه‌بان در بالاترین سطح‌شان دارم و هر دوشان نیز به کارم می‌آیند. در حقیقت تنها ترس یک مربی این است که برای انجام بازی‌هایی که در یک فصل پیش‌رو دارد، دو دروازه‌بان مطمئن در اختیار نداشته باشد، من این سعادت را دارم.

خراب شدن همه چیز است، به علاوه این فکر را بکنید که دفاع عادت دارد با یک دروازه‌بان کار کند و اینکه تصمیم به جایگزینی او بگیریم چندان ساده نیست چون سیستم دفاعی را به‌هم می‌ریزد.

■ شما دوست داشتید قد کاسیاس کمی بلندتر می‌بود (قد او ۱/۸۵ سانتیمتراست)، چون از دروازه‌بانان بلندتر خوشتان می‌آید (قد لوپز ۱/۹۶ است).

نه، نه هر دو تا دروازه‌بانان بزرگی هستند. درست است که قد گلرهای بزرگ از کاسیاس بلندتر است ولی من معتقدم او و بارتز دو دروازه‌بان بزرگ اروپا هستند، زیرا ایکر این قابلیت را دارد که از تمامی چالش‌ها سربلند خارج شود.

■ برخلاف آزمایش‌هایی که در این پیش فصل انجام دادید، هنوز معلوم نیست جناح راست به‌نام بکام سند بخورد یا سیسینیو.

بکام فرد باهوشی است که در راه درستش تلاش زیادی از خود نشان می‌دهد. ببینید فکر می‌کنم قبلاً کمی سرخود عمل می‌کرد و شاید بدین دلیل بوده که پیشتر به او نگفته بودند بهتر است چطور کار کند و همین که در مسیر درستی قرار می‌گرفته، کافی بوده است. از او راضی هستم.

■ با اینکه سیسینیو قابلیت‌های لازم را ندارد، ولی با حرف‌هایی که از بکام زدید، فکر می‌کنم این بازیکن برزیلی در جناح راست قرار می‌گیرد...

(زیرکانه می‌خندد) چون به عنوان بازیکن کناری خریداری شده است.

■ به‌نظر می‌رسد که شما رئال را در بوته آزمایش قرار داده‌اید!

کم و بیش. من برای فهمیدن توانایی‌های دقیق بازیکنانم، نیاز به زمان دارم. برای تشکیل یک تیم منسجم، ۴۰ روز است که در حال تحقیق و مطالعه هستم و هستند کسانی که برای این کار سه سال وقت می‌خواهند. نمی‌توانم با شنیده‌هایم، با سفارشات و با آنچه که مطبوعات طلب می‌کنند، تیمم را بنا کنم. این کار را روزنامه‌نگارها می‌کنند. (با خنده) این کار تو است و درک می‌کنم. من این وظیفه را دارم که برای پی بردن به نقاط ضعف و قدرت تیم، بازیکنان را امتحان کنم.

■ در AS نوشته‌ایم که بعد از تحلیل تیم، یک هافبک خواسته‌اید.

... بله، به درد متعادل کردن ترکیب می‌خورد. اما توجه کنید، نمی‌خواهیم برای رفع تکلیف خریدی کرده باشیم، می‌دانیم چه بازیکنی را می‌خواهیم و اگر یکی خوب و با قیمتی مناسب باشد، برای خرید سراغش می‌رویم. بهتر است از همان اول سراغ کسی با همان سطح بازیکنان خودمان یا پائین‌تر از آنها نرویم، از کس خاصی نام نمی‌برم، اما با یک هافبک، دیگر تیم ایده‌آل‌مان را بسته‌ایم.

■ و نیز یک دفاع مطمئن، برای در امان ماندن از بارسا، که خیلی لازم است.

ببینید آن شکست سه بر صفر از بارسا دیگر تکرار نخواهد شد، واضح گفتم!؟

■ برایتان جالب است که هنوز از کاسانو چیزی نپرسیده‌ام. مسئله انتقال او جلب توجه کرد، روی او چه برنامه‌ای پیاده کردید؟

(لبخند می‌زند) پنج کیلو از وزنش کاستیم.

■ دارید ما و کسانی که خیلی از او انتقاد می‌کنند را وادار به سکوت می‌کنید...

نه، همه انتقادات علیه او درست هستند. دو سالی می‌شد که بازی نکرده بود و به تن‌پروری‌اش رسیده بود. به او گفتم که برای مثال، خوب است برای اینکه قدرت اسبی با اسب‌های دیگر یکسان شود دو کیلو به وزن ماهیچه‌هایش اضافه کنند، اما اگر این دو کیلو بشود ۸۰ کیلو، دیگر حیوان نمی‌تواند حرکت کند، من این را به او گفته‌ام و اگر بخواهد به حرف من گوش کند، نتیجه‌اش را خواهد دید.

■ او عالی کار می‌کند و رو به پیشرفت است.

کیفیت کار او محیرالعقول است و در حال نزدیک شدن به سطحی است که من از او سراغ داشتم. می‌تواند بهترین تازه‌وارد امسال ما باشد.

■ با همه این حرف‌ها، امروز روز جدال با ویارئال است.

در آن بازی (بازی اول) شانس نیاوردیم. ویارئال تیم پرقدرت و کلاس بالایی است که بازیکنان خوبی را خریداری کرده است، در حقیقت از این لحاظ در اسپانیا بهترین هستند، غیر از این...

■ بگویید.

بازی می‌کنیم و سپس برای یازده روز تعطیل می‌کنیم. بهتر است ببریم و پرقدرت هم ببریم و این‌کار برای جلوگیری از بروز تنش و تردید در فاصله بین دو بازی لازم است.

■ می‌شود این را گفت که بارسا این فصل حریفی برای شکست دادن است.

تیم آنها فوق العاده است، اما معتقدم رئال با همه تیم‌ها جنگی آشکار دارد، بارسا خوب کار می‌کند و برای بهتر شدن تمرین کرده است.

■ و در لیگ قهرمانان چه می‌کنید؟

هر تیمی می‌خواهد باشد، ما به جلو نگاه می‌کنیم، چون مادرید هستیم.

منبع: **AS**

خبرها

امروز در فوتبال اروپا

لیگ برتر، هفته سوم، ساعت ۱۶/۳۰: آستون ویلا- نیوکاسل، ساعت ۱۸/۳۰: بلکبرن- چلسی

لالیگا، هفته اول، ساعت ۲۰/۳۰: دپورتیوو- ساراگوسا، اسپانیول- خیمناستیک، اوساسونا- ختافه، راسینگ- آتلتیکو مادرید، رئال مادرید- ویارئال، رکرتیوو- مایورکا، ساعت ۲۲/۳۰: بیلبائو- سوسیه‌داد

بوندس‌لیگا، هفته سوم، ساعت ۱۸/۳۰: هامبورگ- هرتابرلین، ماینتس- اینتراخت فرانکفورت

لوشامپیونا، هفته چهارم، ساعت ۱۹/۳۰: مارسی- لومان، موناکو- سدان، نانسی- اوسر، والنسین- رن، ساعت ۲۲/۳۰: سن اتی‌ین- لانس

اسکوربورد

بوندس‌لیگا، هفته سوم: شالکه ۲- وردربرمن صفر
گل‌ها: کوین کورانی (۷)، حمیت آلتینتاپ (۷۲)

سویا قهرمان سوپرجام اروپا

داربی اسپانیایی فینال سوپرجام اروپا برخلاف پیش‌بینی‌ها به سود سویا به پایان رسید. سویا قهرمان جام یوفا جمعه شب در فینال سوپرجام اروپا موفق شد با سه گل بارسلونا قهرمان لیگ قهرمانان اروپا را شکست دهد. رناتو در دقیقه ۷، فردریک کانو دقیقه ۴۵ و انزو مارسکا در دقیقه ۹۰ و از روی نقطه پنالتی سه گل سویا را وارد دروازه بارسا کردند. **ترکیب بارسلونا:** والدس، بلتی، مارکز، پویول، سیلوینیو (لودویک ژولی)، دکو، ژاوی (اینیستا)، تیاگو موتا (گودیانسن)، مسی، اتوئو، رونالدینیو. **ترکیب سویا:** پالوپ، آلوس، ژاوی ناوارو، اسکوده، داوید، خسوس ناواس (انزو مارسکا)، کریستین پولسن، رناتو، کوریرا (پوتزا)، فردریک کانو، لوئیس فابیانو (مارتی). با قهرمانی سویا در سوپرجام اروپا تعداد قهرمانی تیم‌های اسپانیایی در این جام به شش رسید. پیش از این والنسیا در سال ۱۹۸۰، بارسلونا در سال ۱۹۹۲، بارسلونا ۱۹۹۷، رئال‌مادرید ۲۰۰۲ و والنسیا در سال ۲۰۰۴ قهرمان سوپرجام اروپا شدند. تیم‌های ایتالیایی با هشت و تیم‌های انگلیسی با هفت قهرمانی در سوپرجام اروپا موفق‌ترین کشورهای این جام هستند.

رکورددداران قهرمانی:
۱- میلان ۴ قهرمانی، ۲- آژاکس و لیورپول ۳ قهرمانی
۳- یوونتوس، بارسلونا، والنسیا و اندرلخت ۲ قهرمانی

ادامه از صفحه ۲۳

■ **گروه G:**
(آرسنال، پورتو، زسکامسکو و هامبورگ)

اینجا هم یک نوع برابری قوا محسوس است و به نظر می‌رسد که تعیین سیمای دو تیم صعودکننده تا آخرین هفته از مرحله گروهی رقابت‌ها به درازا بینجامد و این نکته که آرسنال فصل پیش به فینال رسید و نایب قهرمان شد، لزوماً تفاوتی را در این قضیه ایجاد نمی‌کند. پورتو پس از یک سال نزول دوباره اوج گرفته و به یاد قهرمانی سال ۲۰۰۴ خود افتاده است که با مربیگری ژوزه مورینیو به دست آمد. برای پیدا کردن تک قهرمانی هامبورگ در این رقابت‌ها باید به گذشته‌ای بسیار دورتر سفر کنید. به سال ۱۹۸۳ که هامبورگ در بازی فینال با تک‌گل فلیکس ماگات (مربی امروز بایرن‌مونیخ) یوونتوس را در فینال ۰-۱ برد.

■ **آرسن‌ونگر مربی آرسنال:** این یک گروه پایاپای است و هر اتفاقی را می‌توان در آن تصور کرد. پورتو دوباره حاکم لیگ پرتغال شده و زسکامسکو در روسیه کم‌رقیب است و هامبورگ به‌رغم شروع بدش در بوندس‌لیگا طی فصل جاری فصل پیش بایرن‌مونیخ را بسیار آزار داد، و سرانجام دوم شد. سبک بازی این تیم‌ها نیز بسیار متفاوت است و شما باید در این راه دائماً تغییر روش بدهید و این چیزی است که ما باید به طور جدی درباره آن فکر کنیم.

■ **توماس دال مربی هامبورگ:** گروه سختی است ولی وقتی پای به این رقابت‌ها می‌گذارید، باید هم انتظار چنین وضعیتی را داشته باشید. به هر حال ما از بازگشت به صحنه مهم‌ترین جام باشگاهی قاره بسیار مسروریم و این مسئله از هر چیز دیگری برای ما بااهمیت‌تر است. البته برای هواداران ما بازی با آرسنال (نایب قهرمان فصل پیش) از هر چیزی جالب‌تر و حساس‌تر است.

■ **فرناندو گومز مدیر پورتو:** وقتی ۳۲ تیم برتر اروپا گرد می‌آیند، بدیهی است که قرعه‌هایی از این دست را بیاورید. اگر توان آرسنال بر همگان آشکار باشد باید بگویم که زسکا دو سال پیش جام یوفا را برد و هامبورگ هم متحول شده است. صعود از چنین گروهی به خودی خود یک پیروزی بزرگ خواهد بود.

■ **گروه H:**
(میلان، لیل، آاک آنتن و اندرلشت)

وقتی میلان برای بازی با «آاک» یکی از هم گروه‌هایش به آتن سفر می‌کند قطعاً این آرزو را در سر دارد که این تنها سفرش به پایتخت باستانی یونان نباشد، زیرا برگزاری دیدار فینال این دوره (در دهه اول خرداد ۸۶) نیز به این شهر سپرده شده است. میلان مراقب اندرلشت هم هست زیرا این تیم بلژیکی در فصل ۱۹۹۴- ۱۹۹۳ دو بار روسونری را متوقف کرد. از آن سو لیل از هم گروه شدن با آاک ناراضی نیست. زیرا در فصل ۲۰۰۵- ۲۰۰۴ در جام یوفا در خانه این رقیب به برتری ۱-۲ رسید.

■ **اومبرتو گاندینی یکی از مدیران میلان:** باید اعتراف کنم که از نتیجه قرعه‌کشی راضی هستم. نه‌تنها هیچ یک از حریفان ما تیم‌های شکست‌ناپذیری نیستند بلکه اخیراً با آنها دیدار کرده و اطلاعات جدیدی درباره آنها داریم. قدر مسلم اینکه نگرانی آنها بسیار بیشتر از ما است.

■ **فرانک فرکاترن مربی اندرلشت:** ما باید بلندپرواز و در عین حال واقع‌بین باشیم. در سال‌های اخیر دائماً در قرعه‌کشی‌ها بد آورده‌ایم و امسال هم اوضاع مساعد نبوده است. با این حال شانس و راه صعود به روی ما بسته نیست و می‌توان کارهایی را انجام داد. اگر میلان را اول بدانیم، شانس ما برای دوم شدن کمتر از دو تیم دیگر گروه نیست.

■ **لورنز سرافرر مربی آاک آنتن:** قرعه‌بدی نیست. می‌توانست بسیار بدتر باشد. مهم این است که ما جزء ۳۲ تیم برتر اروپا هستیم و اکنون شانسی برابر با لیل و اندرلشت برای کسب رتبه دوم داریم. امتیازگیری از ما در آتن کار هر تیمی نیست.

■ **پیتر اودم وینگی مهاجم لیل:** قرعه خوبی است. از بچگی خواب بازی در برابر میلان را می‌دیدم و بدیهی است که اکنون بسیار خوشحال باشم، از اندرلشت هم اطلاعات کافی دارم زیرا خودم قبلاً در لالووریر در لیگ بلژیک بازی می‌کردم و چند بار روبه‌رویشان ایستادم، از بازگشت به بلژیک بسیار شادمان خواهم شد.